

هو الله

ای سهیم و شریک عبدالبهاء در عبودیت آستان بها، شب است در کلیفورنیا در شهر اکلند خانه امه الله مسیس هلن گودال لانه و آشیان این مرغان آواره است و ضیافت نوزده روزه است. جمعی از یاران با وفا و ورقات طیبه نورا انجمن تضرع به ملکوت ابهی و جمیع نعما حاضر و مهیا و سفره بی نهایت مهنا ای جای تو خالی ای جای تو خالی. و آهنگ بدیعی در تبتل می زنند و به گلبانگ جدید درس مقامات معنوی می گویند و در نهایت محبت و تضرعند. ای جای تو خالی ای جای تو خالی .

روپها به نور محبت الله روشن و خویها به رایحه جنت ابهی گلشن و ها مانند گلزار و چمن ای جای تو خالی ای جای تو خالی. مجالس عظمی مرتب کنائس کبری مهیا و عبدالبهاء نعره زنان یا بها الابهی ای جای تو خالی ای جای تو خالی. خطاب های مفصل در مجامع یهود اثبات حقیقت مسیح موعود ثبوت حضرت یهود اثبات حقیقت مسیح موعود ثبوت حضرت رسول مشهود. ای جای تو خالی ای جای تو خالی. براهین قاطعه قائم و حجج لامعه ظاهر و جمیع ساکت و صامت و سرور کلی را حاصل ای جای تو خالی ای جای تو خالی. در کنائس مسیحیان قوت و عظمت حضرت رسول نمایان و ظهور حضرت اعلی ساطع البرهان و طلوع شمس حقیقت درخشنده و تابان ای جای تو خالی ای جای تو خالی. گوش ها متلذذ از آن الحان کل مستمعین مبهوت و حیران چشم ها خیره و نگران ای

جای تو خالی ای جای تو خالی .جام محبت الله سرشار محفل یاران پرانوار قلوب
کاشف اسرار ای جای تو خالی ای جای تو خالی .مستر راستن حاضر عبدالبهاء
ناطق میرزا احمد سهراب کاتب و جمال قدم حاضر و ناظر ای جای تو خالی ای
جای تو خالی. یاران جمعند و دوستان شمعد و بالبصر و سمعد ای جای تو
خالی ای جای تو خالی.پرتو آفتاب حقیقت درخشنده و شجره مبارکه سایه افکنده و
نسیم گلشن ابهی حیات بخشنده ای جای تو خالی ای جای تو خالی. دیروز در
پنزنه هتل در قصر امة الله میسیس هرست بودیم قصری است بی نهایت عالی
گل های سفید مانند لئالی اوراد حمرا به مثابه یاقوت رمانی بنفشه سرمست و افتاده
گل های کوکب مانند ستاره درخشنده شب بوی معطر و مشکبوی سلطان گل افسر بر
سر نهاده و باغ و راغ آراسته ای جای تو خالی ای جای تو خالی .ابر ها گریان
گل ها خندان درختان بارور و چمن ها سبز و خرم نسیم در نهایت لطافت منظر
در غایت حلاوت ای جای تو خالی .ولوله در شهر نیست و جز شکن زلف یار
فته در آفاق نیست جز خم ابروی دوست ای جای تو خالی ای جای تو خالی
.مضامین بسیار وقایع بی شمار اسرار آشکار ولی یاران فرصت ندهند مهلت
نبخشند.تعجیل دارند منتظر خطابند و مترصد جوابند همه است ددمه است
غلغله است و زمزمه مجبور بر اختصارم به تعجیل می نگارم ای جای تو خالی
ای جای تو خالی مختصر این است که در فکر مراجعتم شب و روز در زحمت
دقیقه ای آرام ندارم یا القا خطابه است یا تحریر کتاب است یا ادای جواب است یا
طی صحراست یا قطع دریاست یا عبور از کوه پرشکوه است جسم تحمل ننماید

استخوان آب گردد ای جای تو خالی ای جای تو خالی . از عکس ها که می رسد شمایل خبر می دهد که خستگی و ماندگی به چه درجه است ای جای تو خالی ای جای تو خالی . امیدم چنان است که عنقریب عودت به آن سامان است کل را آرزوی آستان است جان را اشتیاق روی یاران است ای جای تو خالی ای جای تو خالی . خلاصه سفر به انتها رسید و صبح عودت دمید زیرا به سواحل اقیانوس پاسفیک رسید بعد از این جزائر هونولولو و کشور چین و ژاپان است مسافت بعیده است قوت و قدرت به انتها رسیده است دیگر باید توجه به مرکز شمس حقیقت نمود و به بقعه مبارکه شتاب کرد تا روی به خاک آستان نهم وموی معنبر و معطر گردانم الحمدالله جمعیم و در انجمن مانند شمعیم وبا یکدیگر در نهایت الفتیم محبت اندر محبت است شب و روز موانست است یاران که همراهند همدم و همرازند هم آغوشند و هم آواز شب و روز به ذکر جمال مبارک مالوف و دمساز ای جای تو خالی ای جای تو خالی . جمیع یاران را تحیت ابدع ابهی برسان ای جای تو خالی ای جای تو خالی .
و علیک البها الابهی